



شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دلیوشته (تظاهر)

نام اثر: تظاهر

نام نویسنده: فاطمه احمد هویدی

ژانر: تراژدی

ویراستار: SHADI\_R

کپیست: POLIOUCHOS

این کتاب در سایت تک رمان آماده شده است

www.taakroman.ir



## خلاصه:

به راستی که چرا همه چیز به ظاهر تو بستگی دارد؟

اگر ظاهر درستی نداشته باشی نمی توانی سر کار بروی!

نمی توانی تشکیل خانواده بدهی!

نمی توانی اصلا زندگی کنی. مردم فقط آنچه می بینند را قبول دارند و آنچه می بینند جز ظاهر تو،



## تظاهر فاطمه احمدهویدی کاربر انجمن تک رمان

گاهی تظاهر کردن به داشتن خوشبختی و آرامش،

سخت تر از تحمل زندگی پر پیچ و تابه...

\*\*\*

دوروزی بود که نقابم رو برداشتم و تلاشی برای تظاهر کردن نکردم.

تظاهر به خوبی نکردم. تظاهر به دوست داشتنی بودن نکردم؛

خودم شدم، خودِ خودِ من!

ولی دیدم هیچکس من رو دوست نداره!

ترجیح دادم با نقاب کنار بیام و دوباره بر چهره بزنم؛ تا تنها خود د\*ر\*د بکشم.

\*\*\*

همه می گن تظاهر کن به خوب بودن؛

به خوبی ولی کسی نگفت خودت باش.

نگفت که زندگی یک باره و با تظاهر خرابش نکن.

\*\*\*

تظاهر کردن یعنی:

بگو خوبم،

ولی باطنت داره از د\*ر\*د می سوزه؛

بگو مشکلی ندارم!

ولی زندگی ت پر از پیچ و خم های کوچیک و بزرگ زندگیه!

\*\*\*

همه ظاهر تو را می بینند و

ادعا دارند که به ظاهر تو کاری ندارند؛

به قول گفتنی ظاهرین نیستند!

ولی خب تا ظاهری زیبا و آراسته نداشته باشی، هیچکس سمت تو... نخواهد آمد.

\*\*\*

گاهی اوقات خسته می‌شود.

خسته از تظاهر‌هایی که کرده،

روبه‌روی آینه می‌نشیند و نقابش را بر می‌دارد

و به حال خود می‌گرید.

\*\*\*

این روزها بزرگ تا کوچیک، همه ادعای بی‌درد بودن دارند؛

اما من می‌دانم که نقاب خوبی بر چهره دارند.

وگرنه زخم زندگی آنچنان آسان بی‌خیالت نمی‌شود.

\*\*\*

مردم عادت کردن به تظاهر کردن،

به اینکه خودشون نباشند؛

ولی اگر نقاب خود را بردارند و چهره حقیقی خود را نمایان کنند، قطعاً کسی کنارشان نمی‌ماند!

نه بخاطر نقاب دیگر، نه!

بخاطر باطنی که آنقدر بد بود که هیچکس حاضر به کنار آمدن با او را نداشت.

\*\*\*

تظاهر یک کلمه پنج حرفیه!

## تظاهر فاطمه احمدهویدی کاربر انجمن تک رمان

ولی هزاران حرف خفته، درون خود نگه داشته...

\*\*\*

ما زندگی می‌کنیم تا به خواسته‌هامون برسیم.

خواسته‌های ما خیلی فراتر از چیزهایی‌ست که تظاهر می‌کنیم؛ می‌خواهیم.

\*\*\*

سخت‌تر از زندگی،

تظاهرهایی است که ما می‌کنیم.

زندگی ما، پر از تظاهر هاست.

تظاهرهایی که ما عاشقانه تظاهر می‌کنیم؛

و تظاهرهایی که زجر می‌کشیم و تظاهر به خوشبختی می‌کنیم.

\*\*\*

ما خودمون رو تغییر می‌دهیم

تا بقیه خوششان بیاید؛

اما هرکسی که بخواهد ما را دوست داشته باشد؛  
تک‌رمان

اون چیزی که هستیم رو بیشتر دوست دارد؛ تا آن چیزی

که تظاهر می‌کنیم.

\*\*\*

کاش یه قانون بود که می‌گفت:

تظاهر به هر چیز ممنوع!

نه اینکه همه ما را مجبور به تظاهر کنند و بگویند، این گونه باش تا سنگین باشی و پشتت حرف‌ها نباشد.

کاش مردم ما یاد می‌گرفتند که کاری به کسی نداشته باشند تا کسی مجبور به تظاهر نباشد.

ای کاش!

\*\*\*

ما حرف‌هامون رو تو دلمون نگه می‌داریم، نگه می‌داریم؛

وقتی به خودمون می‌آییم که می‌بینیم مجبوریم همون شکل، به تظاهر هامون ادامه دهیم؛ چرا که مارا اینطور شناخته‌اند.

\*\*\*

تظاهر می‌کنیم به شادی،

تظاهر می‌کنیم به خوشبختی!

ولی فقط تظاهره!

چون گاهی در همون لحظه که باید تظاهر کنی؛

بغضی سمجانه خودش رو تو گلوت نگه می‌داره و انقدر خودش رو تو گلوت نگه می‌داره تا

موفق می‌شه و می‌شکنه.

تظاهر هم خیلی سخته!

\*\*\*

دلم می‌خواد با آدم‌ها حرف بزنم.

دلم می‌خواد بگم که چقدر دوستتون دارم!

ولی حیف که من از تظاهر خوشم نمیاد؛ پس ترجیح میدم واقعیت و بگم!

بگم که چقدر از رفتارتون بدم‌میاد!

بگم که متاسفانه من مثل شما، آدم تظاهر نیستم.

\*\*\*

## تظاهر فاطمه احمدهویدی کاربر انجمن تک رمان

تظاهر می‌کنم که دیگه نمی‌خواهم ببینمت،

اما از ته قلب آرزومندم یکبار دیگر فقط یکبار،

ببینمت!

\*\*\*

تظاهر تمام شد اما تظاهرها، هنوز تمام نشدند!

سخن نویسنده:

این دلنوشته رو تقدیم به مادرم و زهرای عزیزم می‌کنم.

امیدوارم خوشحال شده باشید و بدونید که برای خنده روی لبتون، همه کار می‌کنم و از هیچ چیز دریغ نمی‌کنم.

هیچ چیز!

\*\*\*

این فایل در سایت تک رمان تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک رمان مراجعه کنید.

[forums.taakroman.ir](http://forums.taakroman.ir)

تک رمان